

نوبیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

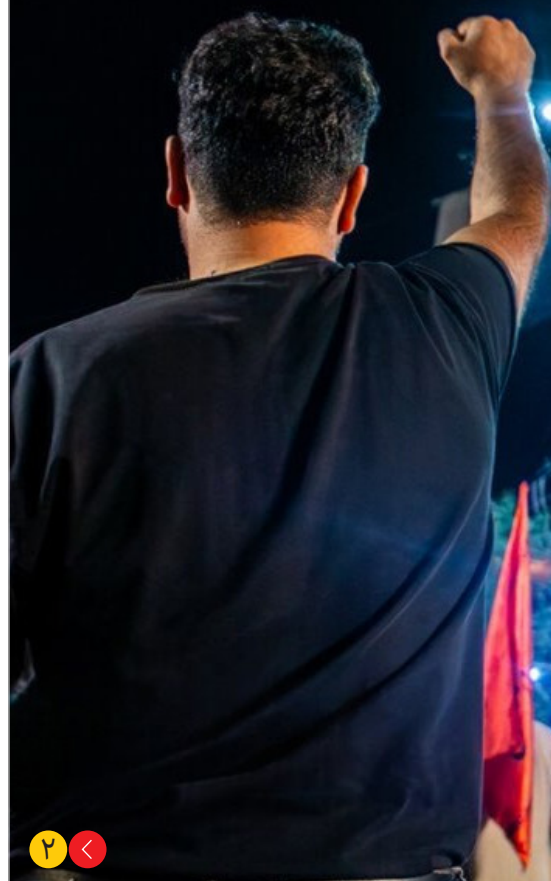
سوءمحاسبه‌ای که به جنگ رسید

روایت قشقاوی از پیشنهاد ۵۰۰ میلیارد دلاری ایران به شرکت‌های آمریکایی، تصویری نگران‌کننده از منطق محاسباتی عراقچی و تیم او در وزارت امور خارجه ارائه می‌کند. قشقاوی در خصوص نگاه هیئت ایرانی در مذاکرات ژنو گفته است: «در سه مرحله مذاکرات ژنو، چرا ۵۰۰ میلیارد دلار به شرکت‌های آمریکایی پیشنهاد همکاری اقتصادی دادیم؟ ما به صورت جزئی و دقیق به آمریکایی‌ها اعلام کردیم که برای همکاری اقتصادی آماده‌ایم و گفتیم در خدمت هستیم. در حالی که طرف مقابل در ذهن خود به من می‌گفت: من معتقدم ایران باید تجزیه شود، اما شما در حال مذاکره برای انعقاد قرارداد با من هستید. من تحت تأثیر اسرائیل می‌خواهم شما را نابود کنم، اما شما می‌خواهید با من قرارداد ۵۰۰ میلیارد دلاری منعقد کنید.»



اتفاقی تاریخ ساز که مردم مبعوث با حضور در خیابان و در دفاع از ایران اسلامی رقم زدند

شب دوایستم



بیانیه شورای مرکزی مجمع نمایندگان ملت مبعوث

ضرورت و فوریت خروج از NPT

۳

صفحه ۲

سیاسی

تمجید میدان از جبهه خیابان

سردار سید مجید موسوی خطاب به ملت مبعوث: درود و رحمت الهی
نثار شما شایسته‌گان که در عمل به تکلیف دینی و ملی خود، چون کوه‌ها
استوار و چون رودها پر خروش با حضوری معجزه‌گون و خستگی ناپذیر
خونخواهی امام شهید و امتثال امر ولی فقیه حفظ کرده‌اید.



داود منظور خطاب به تیم اقتصادی دولت:

بازی با نرخ رسمی ارز، موتور تورم را شعله‌ورتر می‌کند

۴

صفحه ۶

بین الملل

اقتصاد علیه جولانی

اعتراضات اخیر به افزایش قیمت سوخت به نقطه‌ای تبدیل شده که در
آن مجموعه‌ای از بحران‌های انباشته شده از جمله کاهش قدرت خرید،
ضعف درآمدهای دولت، فرسودگی زیرساخت انرژی و ... همزمان خود
را نشان می‌دهند و ناتوانی دولت جولانی را به رخ می‌کشیدند.

تولد و بسط مقاومت مؤمنانه؛ فتح الفتوح در خیابان

آزاده محمودیان
پژوهشگر حوزه ارتباطات

جنگ و موشک باران آغاز شده بود؛ کمی عقب‌تر،
حدود هشت ماه پیش‌تر از آن هم، دشمن به خاک و
جان ایرانیان تعدی کرده بود و خون بی گناهیانی را بر
خاک ریخته بود، اما ملت همچنان قرار و آرام و یقین
داشت که این قاتله هم نمی‌تواند به هیچ گزندی به
انقلاب وارد کند. اما در صبح روز نهم اسفند، آن دیوار
خلل ناپذیر یقین و آن کوه مستحکم اطمینان، یک‌باره
فروریخت، برای ایران، بهت و حیرت اجازه رسیدن
غم را نمی‌داد؛ ترس و اضطراب از دست رفتن انقلاب،
جای آرامش و اطمینان را گرفته بود، و بی‌قراری از
دشمن شاد شدن، چهار دیواری هر خانه‌ای را همچون
قفس، تنگ و نفس گیر کرده بود.

متن کامل در صفحه ۳

امشب دویستمین اجتماع شبانه ملت مبعوث ایران در سراسر کشور برگزار می‌شود

شب دویستم

حضور مردم مبعوث ایران در تجمعات شبانه به ایستگاه دویستمین شب رسید. دویست شب ایستادگی و مقاومت تاریخی. تجمعات شبانه که پس از شروع جنگ رمضان و شهادت رهبر شهید انقلاب با هدف خونخواهی قائد شهید و حمایت از نیروهای مسلح شکل گرفت، بر خلاف قریب به اتفاق پیش بینی‌ها، نه سرد و کم‌رنگ شد و نه شعار

خونخواهی را کنار گذاشت. این تجمعات مصداق وحدت در عین کثرت بود و همه سلاطین مختلف را برای حمایت از استقلال و تمامیت ارضی کشور کنار هم نشاناند. به گونه‌ای که طبق نظرسنجی‌های معتبر بیش از ۷۰ درصد مردم در بازه‌های زمانی مختلف حضور در این تجمعات را تجربه کردند.



دولت علیه بعث

شبانه ادامه یافت و حتی مفتخر به تعریف و تمجید رهبر معظم انقلاب نیز گشته است. از جمله حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی خردادماه گذشته و در پیام به مناسبت سی‌وهفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: «کدام نیروی مستحکم و اراده‌ی پولادین بود که از سحرگاه دهم اسفند ۱۴۰۴ ملت ایران را آن‌چنان مبعوث کرد و به میدان آورد که با انگیزه‌ای والا با گذشت بیش از سه ماه کماکان پرحرارت به خونخواهی رهبر شهید خود و سایر شهیدان به خون خفته و به پاسداشت حريم نظام اسلامی و وطن عزیزشان در میدان حاضر هستند و صفوف چنده میلیونی جان‌فدایان را برای تحقق آرمان رهبر شهید و اقامه‌ی حق و قیام‌لله مستحکم کرده‌اند؟»

رهبر انقلاب همچنین ۶ شهریور در پیام به مناسبت هفته دولت تصریح داشتند: مردم عزیز ایران که در شش‌ماه گذشته عیار حقیقی خود را در جلوه‌های مختلف جهاد با دشمن، حضور در میادین، انسجام و همدلی و همراهی خود آشکار نموده‌اند، شایسته و مستحق آن هستند که خدمتگزاری قوا و دستگاه‌های مسئول در جمهوری اسلامی در مسیر رسیدن به سطح مطلوب این نظام مقدس و شأن‌والای ملت مبعوث شده را حس نمایند.

این حضور عظیم مردمی و تداوم شگفت‌انگیز آن در حالی بود که لایه‌هایی از دولت شیطنتهای متعددی را علیه تجمعات به کار بستند. نامه‌نگاری برخی فرمانداری‌ها و استانداری‌ها برای تعطیلی تجمعات شبانه، برچسب‌زنی و توهین به ملت مبعوث نظیر اقلیت رانتی خواندن مردم در برخی رسانه‌های نزدیک به دولت و سند منتشر شده از معاونت راهبردی ریاست جمهوری از جمله این اقدامات بود. در بخشی از سند معاونت راهبردی در اینباره آمده‌بود: بعد از دهه اول محرم یا تشییع جنازه باشکوه رهبر شهید، زمینه برای فرود آرام این تجمع‌ها و عبور هوشمندانه از شرایط ویژه و هدایت جامعه به سمت بازگشت به زیست روزمره، ضرورت قطعی برای تضمین استقلال عمل حاکمیت است. در بخشی دیگر از متن این گزارش ادعا شده است: استمرار تجمعات، «مانعی جدی در برابر اتخاذ تصمیمات استراتژیک و مصلحت‌اندیشانه در مقاطع حساس خواهد بود. از جمله فرازهای عجیب این سند، ادبیات آن درباره اجتماعات شبانه بود. در بخشی از این سند، جمع‌آوری آرام این سند به عنوان یک ضرورت در راستای حفظ بهداشت روانی جمعی معرفی شده است! با همه این کارشکنی‌ها و همچنین اظهار نظر منفی برخی روسای قوا، تجمعات

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

«به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله‌ی با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد.» این، بخشی از فرمایشات رهبر شهید انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سید علی خامنه‌ای در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ و پس از شکست کودتای آمریکایی-صهیونی و حدود یک‌ماه قبل از شهادت ایشان است. پیش‌بینی‌ای که خیلی زود محقق شد و از دهم اسفندماه، تمامی میادین و خیابان‌های سراسر کشور صحنه حضور مردم وفادار و ولایت‌مدار ایران شد.

هرچند شروع تجمعات شبانه با هدف خونخواهی رهبر شهید و حمایت از نیروهای مسلح شکل گرفت و ادامه یافت، اما این تجمعات بستری شد برای ظهور و بروز مردم و اعلام موضع آحاد جامعه در قبال موضوعات روز. آتش‌بس، تقاهمنامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا، تحولات لبنان و دیگر اضلاع جبهه مقاومت و ارزیابی عملکرد مسئولان و دستگاه‌های مختلف مانند دولت و مجلس شورای اسلامی، موضوعاتی بود و هست که در تجمعات شبانه نسبت به آن اعلام موضع شد.

میدان

تمجید میدان از جبهه خیابان



سردار سید مجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آستانه دویستمین شب بعثت ملت ایران پیامی صادر کرد. در بخشی از این پیام خطاب به ملت ایران آمده است: درود و رحمت الهی نثار شما شایستگان که در عمل به تکلیف دینی و ملی خود، چون کوه‌ها استوار، چون رودها پر خروش و چون تکه‌های گداخته آهن پرحرارت، با حضوری معجزه‌گون، خستگی‌ناپذیر، حماسی و دشمن‌شکن دویستمین شب بعثت خود را در خیابان‌ها در خونخواهی امام شهید و امتثال امر ولی فقیه حفظ کرده‌اید. قیام شبانه شما که در دفاع از هویت استقلال و موجودیت کشور تداوم یافته، جهانیان را متحیر نموده است و نمایشی از تراز بالای عقلانیت ملی، ارزش‌های والای دینی و فرهنگ و تمدن برجسته ملی، چهره برتری از یک ملت با عظمت را در منظر و مرآی سایر ملل جهان قرار داده است. امروز دشمنان متحیر و متعجب از این ایستادگی، عظمت شما را تصدیق و دوستان آزادگان جهان خرسند از این عزتمندی، امیدوار به پیروزی نهایی حق در برابر ظلم و استکبار گشته‌اند. این حضور آگاهانه، پشوانه‌ای مطمئن و دلگرم‌کننده برای رزمندگان اسلام در همه سنگرهای دفاعی کشور و پیامی دلنشین برای پایمردی و تاب‌آوری سربازان جان‌برکف شما ملت عزیز در نیروی هوافضای سپاه برای محافظت از کیان اسلامی ایران سربلند و خونخواهی امام شهیدمان می‌باشد.

خبر کوتاه

مخبر: ملت مبعوث عزیزند و عزیز خواهند ماند

مشاور رهبر معظم انقلاب گفت: ۲۰۰ شب است که پاسداران کیان ایران‌مان، زیر باران بمب و گلوله و در میانه جنگی تمام‌عیار، استوار ایستاده‌اند. وی افزود: آنان که دیروز همراه نبودند، امروز با آغوشی گشوده به صف ملت پیوسته‌اند. مخبر تصریح کرد: پرچم عزت و فتح برافراشته است و امید همچنان در جان این مردم زنده. ملت مبعوث عزیزند و عزیز خواهند ماند.

زاکانی: تجمعات شبانه خطای محاسباتی مسئولین را اصلاح کرد

علیرضا زاکانی شهردار تهران در شبکه ایکس‌نوش: ۲۰۰ شب است که مردم خیابان‌ها و میادین را رها نکرده‌اند تا دشمن را عقب نگه‌دارند، خطای محاسباتی مسئولین را اصلاح کنند، وحدت‌بخش و انسجام‌آفرین باشند، از ایران و انقلاب صیانت کنند و دست بیعت با امام خامنه‌ای را بالا نگه‌دارند. خداقوت به ملت مبعوث‌شده و قهرمان ایران

سردار حسن‌زاده: رزمایش بعدی پایتخت یک میلیون نفری می‌شود

فرمانده سپاه تهران بزرگ در آستانه برگزاری رزمایش بزرگ نیم‌میلیونی نفری مردم جان‌فدا اعلام کرد: رزمایش بعدی پایتخت با حضور یک میلیون نفری مردم تهران برگزار می‌شود. پیش‌تر سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ در نشست خبری رزمایش «جان فدای ایران» از استقبال گسترده افشار مختلف مردم برای حضور در این رزمایش خبر داده و اذعان کرده بود که ثبت‌نام‌ها از ۴۰۰ هزار نفر عبور کرده و پیش‌بینی می‌شود این تعداد به‌زودی از ۵۰۰ هزار نفر فراتر رود.

انهدام چهارمین فروند MQ-۱ در تنگه هرمز

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: چهارمین MQ-۱ در چند روز گذشته به وسیله آتش سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور در آسمان شرق تنگه هرمز رهگیری و منهدم شد. در طول جنگ تحمیلی سوم، صدها فروند پهپاد متجاوز توسط پدافند هوایی کشورمان ساقط شدند که پهپادهای «لوکاس»، «هرمس»، «MQ-۱» و «MQ-۹» نیز در میان آن‌ها بوده‌اند. همچنین چند روز پیش، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از انهدام یک فروند شناور بدون سرنشین (شهپاد) ارتش آمریکا در ورودی تنگه راهبردی هرمز خبر داد.

معارفه رئیس جدید کارگروه بررسی‌های اقتصادی دفتر رهبر انقلاب

معارفه احسان خاندوزی به عنوان رئیس جدید کارگروه بررسی‌های اقتصادی معاونت بررسی دفتر رهبر انقلاب اسلامی و تودیع علی آقا محمدی، صبح روز گذشته سه‌شنبه ۲۴ شهریور برگزار شد. احسان خاندوزی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است که در دولت شهید رئیسی مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی را عهده‌دار بود. در این مراسم از زحمات ۳۶‌ساله علی آقا محمدی تشکر و قدردانی شد.

بهادری جهرمی: محاصره دریایی یعنی جنگ



دکتر علی بهادری جهرمی، حقوقدان و استاد دانشگاه، در ویژه برنامه «نبرد هرمز» شبکه خبر گفت: محاصره دریایی

در حقوق دریاها یکی از اقسام جنگ است و در بحبوحه جنگ، اصلی ترین روش خونخواهی امام شهید، پاسخ نظامی است. ایران در اقدام متقابل حق مشروع دارد شخص اول کشور حمله کننده را هدف قرار دهد.

وی افزود: حتی بدون شلیک یک گلوله، «محاصره» اقدام خصمانه است و پاسخ به آن الزاماً متقارن نیست؛ ممکن است دور زدن محاصره یا پرتاب موشک در خشکی باشد که به عقب نشینی دشمن در دریا بینجامد. تحریم ها و فشار اقتصادی چهل ساله آمریکا نیز

نیازمند پاسخ متقابل و دریافت غرامت است.

بهادری جهرمی حضور حدود ۲۰۰ شبه مردم در خیابان ها را «اصل خونخواهی» و سند مردم سالاری نظام دانست و گفت: مجازات عاملان، شرط تکرار نشدن فاجعه مدرسه میناب با قریب به ۳۰۰ شهید دانش آموز است.

وی پیگیری در نهادهای بین المللی را با وجود بی عملی آن ها دارای دوفایده خواند: اثبات حقانیت نزد افکار عمومی جهان و مستندسازی برای اصلاح ساختار، از جمله مطالبه تغییر نظام حقوقی حاکم بر تردد در تنگه هرمز. به گفته او، حقوق اصلاً برای دوران صلح است.

شورای مرکزی مجمع نمایندگان ملت مبعوث در بیانیه ای خواستار تجدید نظر عضویت ایران در ان پی تی شدن

ضرورت وفوریت خروج از NPT

به دنبال تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، موج درخواست ها جهت بازبینی ایران در عضویت در معاهده عدم اشاعه سلاح های هسته ای (ان پی تی) شدت گرفته است. علیرغم واکنش نه چندان جدی دولت و وزارت امور خارجه به این اقدام ضدایرانی کشورهای غربی، نمایندگان مجلس مواضع تندی در این موضوع بیان کردند. در این راستا پس از اظهار نظر چند نماینده عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، مجمع نمایندگان ملت مبعوث نیز که اخیراً تشکیل شده، بیانیه ای در این خصوص صادر کرد.

جعفر کاظمی
روزنامه نگار

۴. سوء استفاده ابزاری از نظارت های آژانس:

به گفته نمایندگان، ادامه این روند متناقض، خروج از تعهدات یک طرفه و زیان بار را به یک الزام عقلانی و راهبردی تبدیل می سازد. طبق این گزارش، شورای مرکزی مجمع نمایندگان ملت مبعوث ضمن هشدار به طرف های غربی و نهادهای بین المللی و باتوجه به طرح های ثبت شده نمایندگان برای

پیگیری روند قانونی، از هیات رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی خواسته است که مطابق قانون آیین نامه داخلی مجلس، فرایند قانونی خروج کامل جمهوری اسلامی ایران از پیمان NPT و تعریف همکاری های جدید بین المللی با دوستان جمهوری اسلامی ایران را در سریع ترین زمان ممکن فعال سازد.

نمایندگان معطل هیات رئیسه!

این البته نخستین باری نیست که نمایندگان مطالبه خروج ایران از ان پی تی را مطرح کرده اند. پیش از این در اوایل امسال نیز پس از شیطنت آژانس بین المللی انرژی اتمی علیه برنامه صلح آمیز برنامه هسته ای ایران، طرح سه فوریتی حمایت از حقوق هسته ای ملت ایران در سه محور

۱. اعلام خروج از NPT
۲. لغو قانون اقدام متقابل در اجرای برجام

۳. حمایت از پیمان جدید بین المللی با کشورهای همسو (از جمله در شانگهای/بریکس) در توسعه فناوری های صلح آمیز هسته ای اوایل فروردین ماه امسال در سامانه مجلس بارگذاری و به معاون قوانین ارجاع شده بود. با این حال خردادماه گذشته و پس از سه ماه مالک شریعتی نماینده مردم تهران در مجلس در پاسخ به مطالبه خروج از ان پی تی، دلیل طرح نشدن موضوع در مجلس را افشا کرد.

وی در این رابطه در فضای مجازی نوشت: پس از قطعنامه اخیر ضدایرانی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، برخی دوستان از سرنوشت طرح سه فوریتی حمایت از حقوق هسته ای ملت ایران مشتعل بر خروج NPT پرسیدند؛ پاسخ: طرح حدود ۳ ماه است در کارتابل معاون قوانین مجلس است و هنوز برای امضا در معرض رویت نمایندگان قرار نگرفته است!



یادداشت

تولید و بسط مقاومت مؤمنانه؛ فتح الفتوح در خیابان

آزاده محمودیان
پژوهشگر حوزه ارتباطات

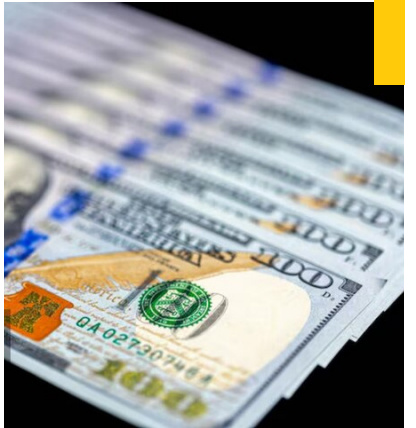
۱. پنج چله گذشت! جنگ و موشک باران آغاز شده بود؛ کمی عقب تر، حدود هشت ماه پیشتر از آن هم، دشمن به خاک و جان ایرانیان تعدی کرده بود و خون بی گناهانی را بر خاک ریخته بود، اما ملت همچنان قرار و یقین داشت که این قاتله هم نمی تواند به هیچ گزندی به انقلاب وارد کند. اما در صبح روز نهم اسفند، آن دیوار خلل ناپذیر یقین و آن کوه مستحکم اطمینان، یک باره فرو ریخت، برای ایران، بهت و حیرت اجازه رسیدن غم را نمی داد؛ ترس و اضطراب از دست رفتن انقلاب، جای آرامش و اطمینان را گرفته بود، و بی قراری از دشمن شاد شدن، چهار دیواری هر خانه ای را همچون قفس، تنگ و نفس گیر کرده بود. حالا یک ایران، خوف از دست رفتن عزت و اقتداری را داشت که به واسطه آن حکیم عزیز تا آن روز حفظ شده بود. پس، چاره ای نبود جز فرار از قفس، و پناه بردن به خیابان؛ این اولین واکنش ایرانیان در مواجهه با شهادت مولا و پدر و پشت و پناه چهل ساله شان بود. خیابان نشین شدند، روزها را به شب ها دوختند و در خیابان ماندند، تا بتوانند این داغ را دوام بیاورند. نه دستوری صادر شد، نه نهادی مطالبه کرد، نه حزبی سازمان دهی داشت؛ مردم؛ ریشه و دلیل این حرکت از عمق وجود مردم برخاست؛ گویی به یک باره بر قلب میلیون ها ایرانی وحی شد که چنین کنند؛ و این را تمام افرادی که از دهم اسفند به خیابان آمده اند و چله ای پس از چله، این حضور را دوام داده اند، خوب می دانند.

۲. فقط ایمان عمیق انقلابی باعث دوام اجتماعات مؤمنانه شبانه شد. مؤمنان می دانند آنچه این شرایط هولناک را به ایران تحمیل کرده است، سیاست های غلط، اختلال های محاسباتی کارگزاران و عدم اجرای دقیق فرامین ولی فقیه بوده است. پس، اینبار تمام قد پای انقلاب و رهبرشان ایستاده اند. نه طعنه لیبرال ها به رانتی بودن، آنان را می گیرزند، نه فشار تنگی معیشت از سوی کارگزاران نابلد؛ و نه حتی خیانت سکولارها و سفاقت راه کج کرده ها.

مؤمنان، زخم عمیقی خورده اند و تنها به امید حضور امامی که بوی و خوی امام شهیدشان را دارد، زیر بار این غم و هجمه، کمر راست کرده اند. با انگیزه خون خواهی و قصاص از قاتلان رهبر شهید، پرچم های سرخ را به دست گرفته اند و قدم از جبهه خیابان عقب نمی گذارند تا خون قاتلان را بر زمین بریزند؛ و حکیمانه می دانند این تنها راه بازگرداندن امنیت به این مرز و بوم است. اگرچه کارگزاران، از بیم از دست رفتن فرصت دیدن امضا و تصویرشان در کنار امضا و تصویر قاتلان امام شهید، خون خواهی را غیر از قصاص تفسیر کرده اند، اما این مردم با پشتیبانی و حمایت امام شجاع جوان شان، یقین دارند به زودی قصاص قاتلان رهبر شهید محقق خواهد شد.

۳. محاسبات مؤمنان خیابان های ایران، جغرافیای آشنای زمان و مکان را درهم شکسته است؛ متفاوت است از تمام تاریخ و مرزها. در صیورتی جهشی اکنون این مردم هستند که تعیین کننده تمام ساحات سیاست ورزی شده اند. اگر حضور در خیابان، در بحرانی ترین شرایط امنیتی، به میدان نیروهای مسلح، قدرت حرکت تا مرزهای بازدارندگی را بخشیده، اگر برای رهبر، امکان و بسط ید برای ابراز آرای علی الاصولش را فراهم کرده، چرا نتوانند نوک پیکان سیاست مداران را به سوی خط قرمز شدن توافقی با دشمنان، بچرخاند. مؤمنان خیابان نباید به این گعده های شبانه انگفا کنند، اگرچه پرجمعیت و پرشور است. باید بنای خود را بر تکثیر این فهم و این حضور بگذارند؛ هم بر عده و هم بر عده بیافزایند. و این امر ضروری تنها با تبیین ممکن است. باید هر فرد خیابان به چندین نفر تکثیر گردد. عشق و ارادت به ایران و اسلام و ادراک از استقلال و عزت را هدف بگیرد و از همسایه و همکار و خانواده، همراه و همدل، در این راه مقدس بسازد. اگر بر دل اکثر ایرانیان، بعثت خیابانی وحی شده، چرا این اکثریت به تمامیت مبدل نگردد! اکنون که پرده های تبلیغات و کج روایت های بیگانگان و خائنان دریده شده، ذهن ها و دل ها بیش از گذشته آماده پذیرش حق شده اند. باید به جای انتظار برای وقوع کودتا در دل دانشگاه و خیابان، چله ای هم اجتماعات مؤمنانه را در کف دانشگاه و خیابان و بازار، پرشورتر از پنج چله پیشین، گسترش داد.

عدم برگشت ۷۰ میلیارد یورو از منابع ارزی تا پایان سال گذشته



رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اشاره به سابقه طولانی پدیده قاچاق در کشور، اظهار داشت که قاچاق در بسیاری از موارد معلول فرآیندها و شرایط اقتصادی ناسالم است و مبارزه با آن نیازمند شناسایی و اصلاح علت‌های شکل‌گیری، در کنار اقدامات سلبی است. حبیب‌الله حقیقی با بیان اینکه قاچاق زمانی شکل می‌گیرد که از نظر اقتصادی برای فرد یا مجموعه‌ای صرفه داشته باشد، افزود: امروز نمی‌توان با سازوکارهای ۴۰ سال گذشته با پدیده قاچاق مقابله کرد؛ استفاده از داده‌ها و سامانه‌های هوشمند امکان شناسایی شکاف‌های موجود در فرآیندهای مبدأ، مسیر و مقصد را فراهم می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به بررسی پرونده‌های مرتبط با بازگشت ارز حاصل از صادرات، گفت: از پایان

سال ۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۴، حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیارد یورو عدم بازگشت ارز داشته‌ایم که ۲۳ تا ۲۴ هزار نفر شامل این بازگشت ارز می‌شدند، اما ۱۰۰۰ نفر اول، نیمی از این مبلغ یعنی ۳۰ تا ۳۵ میلیارد یورو را برنگرداندند.

رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز افزود: نیمی از این ۷۰ میلیارد یورو که به کشور برگشته، مربوط به کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای بوده است. در یکی از پرونده‌ها، کارت بازرگانی به نام یک خانم نابینای روستایی بوده که با پرداخت ۵ میلیون تومان، مدارک خود را در اختیار فردی قرار داده و با آن کارت بازرگانی، مقدار زیادی واردات انجام شده است.

وی گفت: از میان ۱۰۰۰ نفر، ۲۰۰ نفر برای بررسی دقیق‌تر در مرحله بعد قرار گرفتند و با همکاری

بانک مرکزی و نهادهای متولی، حدود ۶.۵ میلیارد دلار از این منابع بازگشت یافته است؛ که حدود ۳.۵ میلیارد دلار آن از مسیر کشف و تعدیل در بانک مرکزی و نزدیک به ۳ میلیارد دلار نیز به صورت نقد از مسیر پیگیری‌ها و ارائه مستندات، به بانک مرکزی تحویل داده شده است. وی از پیگیری موضوع قاچاق و مدیریت مصرف سوخت برای کاهش مصرف و مقابله با قاچاق خبر داد و بیان کرد: در موضوع ارز، سوخت و کنترل مرزها اقداماتی در حال انجام است. حقیقی به طرح رزاق و اقدامات انجام‌شده در حوزه مقابله با قاچاق سوخت در سیستان و بلوچستان اشاره کرد و افزود: در این زمینه نیز رویکرد ستاد، ساماندهی فعالیت‌ها و ایجاد سازوکارهای کنترل‌شده برای کاهش زمینه‌های قاچاق است.

داوود منظور خطاب به تیم اقتصادی دولت:

بازی بانرخ رسمی ارز، موتور تورم را شعله‌ورتر می‌کند

رئیس پیشین سازمان برنامه و بودجه کشور، با هشدار نسبت به عواقب اجرای نسنجیده سیاست تک‌نرخ در شرایط بی‌ثباتی، دستکاری نرخ ارز را عامل آسیب به لنگر انتظارات تورمی و تشدید گرانی‌ها دانست. او با تأکید بر اینکه اولویت اصلی کشور باید مهار تورم و هماهنگی سیاست‌های ارزی با بسته‌های پولی و بودجه‌ای باشد، خواستار توقف موقت بخش‌های غیرضروری برنامه هفتم توسعه شد. منظور پیشنهاد داد دولت برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد، تأمین مطمئن کالاهای اساسی و حفظ زیرساخت‌های حیاتی، با ارائه لایحه‌ای منقح، این برنامه را متناسب با وضعیت اضطراری به «برنامه عبور از بحران» تبدیل کند.

زمینه‌ساز جهش ارزی جدید است که در بازار آزاد خودش را نشان می‌دهد.

منظور با اشاره به افزایش نرخ ارز در دوسه هفته اخیر تأکید کرد: بخش عمده‌ای از این افزایش به این دلیل است که مردم احساس می‌کنند سیاست‌گذار بنای بالا بردن نرخ ارز را دارد. وقتی مقام رسمی کشور در مصاحبه‌ای بگوید «من ارز ندارم که تخصیص بدهم»، این پیام را به مردم می‌دهد که در این شرایط ممکن است نرخ ارز از آنچه هست بیشتر شود؛ این موضوع مردم را به سمت صندوق‌های طلا که نوعی ترجمه همان نرخ ارز هستند و خرید بیشتر ارز هدایت می‌کند. رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه گفت: با بالا رفتن نرخ ارز، قیمت همه کالاها تعدیل می‌شود، حتی کالاهایی که ارزبر نیستند؛ چراکه ارز به «شاقول اقتصاد» برای قیمت‌گذاری سایر کالاها تبدیل شده است.

پیشنهاد تدوین لایحه «برنامه عبور از بحران»

رئیس پیشین سازمان برنامه و بودجه، همچنین با بیان اینکه بخش‌هایی از برنامه هفتم توسعه اساساً برای شرایط عادی تدوین شده است، پیشنهاد کرد با توجه به تنگناهای شدید منابع و کسری‌های بودجه‌ای، اجرای این‌بندها موقتاً متوقف شده و توجه اصلی بر ارتقای تاب‌آوری کشور متمرکز شود. منظور گفت: تاب‌آوری به معنای توانایی اداره پایدار جامعه و اقتصاد زیر فشارهای سنگین اقتصادی است؛ به گونه‌ای که امور جاری کشور دستخوش اختلال حاد نشود. از این‌منظر، با توجه به آرایش اقتصادی دشمن، نیازمند یک طرح اقدام هدفمند هستیم که محورهای حیاتی آن شامل معیشت اقشار جامعه، تضمین زنجیره تأمین کالاهای اساسی، پایداری زیرساخت‌های استراتژیک (آب، برق، گاز، بنزین)، نظام سلامت و دارو و حوزه ارتباطات باشد. وی یادآور شد: دولت برای پاسخگویی به شرایط اضطراری و تأمین مالی متناسب با بحران، نیازمند یک نقشه راه اجرایی و چابک است. بر این اساس، تدوین یک لایحه کوتاه‌مدت، دقیق و بازنگری‌شده که بتواند احکام متناسب با موقعیت اضطرار را جایگزین تکالیف ناممکن فعلی کند، عملاً برنامه هفتم را به یک «برنامه عبور از بحران» تبدیل خواهد کرد؛ اقدامی که باید در صدر اولویت‌های نظام برنامه‌ریزی دولت قرار گیرد.

خواهد بود. آمارهای رسمی در مرداد ۱۴۰۵ مهرتأییدی بر این هشدارها زد: جهش نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۹ درصد و ثبت تورم سالانه ۶۹.۹ درصدی که نشان می‌دهد هزینه تأمین یک سبد یکسان از کالا و خدمات ظرف یک سال، به‌طور میانگین ۸۹ درصد گران‌تر شده است.

هشدار نسبت به دستکاری متغیر اقتصاد

داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم، در گفت‌وگویی با واکاوی نوسانات اخیر، بر ضرورت هم‌راستایی سیاست‌های ارزی با بسته‌های پولی و بودجه‌ای تأکید کرد و گفت: هرگونه تلاش برای تک‌نرخ کردن ارز بدون ثبات اقتصادی، به جهش ارز و تورم دامن می‌زند. وی با تأکید بر اینکه کنترل تورم مهم‌ترین دغدغه مردم و کشور است، گفت: برای اینکه ابزار کنترل مؤثر استفاده شود، باید از همه اقداماتی که می‌تواند موتور تورم را در کشور روشن نگه دارد و تورم را شعله‌ور کند، اجتناب شود.

منظور با بیان اینکه سیاست ارزی مؤلفه‌ای بسیار مهم در تشدید تورم و معیشت مردم است، اظهار داشت: در شرایط عادی، اصول اقتصاد حکم می‌کند حتماً باید نظام تک‌نرخ ارز داشته باشیم، همان‌طور که در خیلی از کشورها این نظام اجرا می‌شود؛ این نظام حتماً محاسن زیادی دارد و می‌تواند جلوی برخی رانت‌خواری‌ها، ویژه‌خواری‌ها و فسادها را بگیرد. رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم ادامه داد: ایجاد و اجرای نظام تک‌نرخ ارز الزاماتی نیاز دارد که شرط اول آن ثبات در اقتصاد است. در شرایط کنونی، هرگونه تلاش برای تک‌نرخ کردن ارز حتی اگر نیت ما خیر باشد و بخواهیم بهره‌وری بیشتری در به‌کارگیری منابع ارزی کشور ایجاد کنیم، نتیجه مطلوب پیدا نمی‌کند.

وی با اشاره به اینکه ارز یک ابرمتغیر است، گفت: هرگونه مداخله در بازار ارز کاهش فاصله میان ارز رسمی یا مبادله‌ای با بازار آزاد، عملاً از مبادله‌ای یا رسمی دولتی را به سمت بالا حرکت می‌دهد تا به نرخ آزاد برسد، یا در جاهایی ارز ترجیحی حذف می‌شود. هردوی این اقدامات باعث می‌شود پیامی که به مردم، بازار و انتظارات داده می‌شود، به لنگر انتظاری تورم آسیب بزند و مردم احساس کنند ارز قرار است جهش کند؛ خود این اقدام



نیماسهیلی
روزنامه‌نگار

هنگامی که دولت چهاردهم در واپسین روزهای مردادماه ۱۴۰۳ سکان هدایت قوه مجریه را به دست گرفت، اسکناس آمریکایی در بازار غیررسمی حول و حوش ۵۹ هزار تومان دادوستد می‌شد؛ نرخی که امروز با افزایشی چشمگیر سقف ۲۳۰ هزار تومان رانیز پشت سر گذاشته است. تیم اقتصادی دولت مسعود پزشکیان در نخستین گام‌های خود، استراتژی ارزی‌اش را با محوریت «یکسان‌سازی نرخ ارز» کلید زد؛ رویکردی که با بالا بردن تدریجی نرخ نیما، برچیدن نهایی آن و در ادامه راه‌اندازی بازار ارز تجاری به اجرا درآمد. سیاست‌گذار در آن مقطع اهدافی چون کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی و آزاد، برچیدن بستر رانت و تقویت انگیزه‌های ارزی صادرکنندگان را دنبال می‌کرد. نقطه عطف دگرگونی‌های ارزی دولت چهاردهم در دی‌ماه ۱۴۰۳ رقم خورد؛ مقطعی که در آن، بانک مرکزی و دولت با عبور از ایده بازار توافقی، عملاً گام در مسیر رشد پرشتاب نرخ‌های رسمی و تحقق ارز تک‌نرخ‌ی گذاشتند. در همین راستا، ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و نرخ توافقی تالار اول (در محدوده ۸۴ هزار تومان) حذف شد تا قیمت رسمی به نرخ بازار آزاد نزدیک‌تر شود. این همگرایی قیمتی سبب شد نرخ مذکور در دی‌ماه ۱۴۰۴ به مرز ۱۲۵ هزار تومان برسد و امروز در کانال ۱۶۶ هزار تومان تثبیت شود. این تصمیم در حالی اتخاذ شد که کارشناسان و منتقدان از همان ابتدا هشدار می‌دادند آزادسازی نرخ ارز در بستریک اقتصاد تورمی و بدون مهار ریشه‌ها و موتورهای خلق تورم، به جای برچیدن رانت، جرقه‌ای برای شعله‌ور شدن موج تازه‌ای از گرانی‌ها



بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز و رد کردن

حاکم ممکن عضو کمیسیون اقتصادی مجلس می‌گوید: قیمت ارز در هفته‌های اخیر بالا و پایین زیادی داشته و همین موضوع بسیاری از مردم و کسبه را نگران کرده است. معتقدم برای اینکه قیمت دلار و دیگر ارزها ثبات پیدا کند، نباید فقط به دستور و بخشنامه اکتفا کرد. مردم تا وقتی به آینده اقتصادی مطمئن نباشند، بازهم برای حفظ پول خود سراغ ارز می‌روند. اگر بانک مرکزی آمار واقعی ذخایر ارزی را منتشر کند و سیاست‌های پولی منظمی داشته باشد، اعتماد به بازار برمی‌گردد. در غیر این صورت، هر بار با یک خبر یا شایعه، قیمت ارز دوباره ملتهب خواهد شد.

تالار شیشه‌ای

بازگشت قدرتمند شاخص بورس به کانال ۷.۵ میلیون واحد

بازار سهام دیروز (سه‌شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵) معاملات خود را با برتری محسوس تقاضا آغاز کرد و این روند تا پایان دادوستدها ادامه یافت. در آغاز معاملات، حدود ۶۶ درصد نمادها سبزپوش بودند و ارزش سفارش‌های خرید به حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان رسید؛ در مقابل، ارزش سفارش‌های فروش حدود ۱۰.۷ هزار میلیارد تومان بود. این برتری تقاضا در پایان حفظ شد و بازار با حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان سفارش خرید در برابر تنها ۱.۲ هزار میلیارد تومان سفارش فروش به کار خود پایان داد. در پایان معاملات، ۶۹۴ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند و تنها ۱۶۷ نماد منفی بودند؛ موضوعی که از موج تقاضا در بازار حکایت داشت. همچنین تعداد صف‌های خرید به ۴۲۸ مورد رسید، در حالی که تنها ۳۷ صف فروش در بازار شکل گرفت. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی حدود ۴۳ هزار و ۴۳ میلیارد تومان ثبت شد؛ رقمی که اگرچه نسبت به روز قبل از آن، (حدود ۵۴ هزار میلیارد تومان)، کاهش را نشان می‌دهد، اما همچنان بیانگر حضور نقدینگی قابل توجه در بازار است. در مجموع، ارزش معاملات بورس و فرابورس به حدود ۹۶ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران شامل بورس، فرابورس و بازار پایه در محدوده ۲۵ هزار و ۵۷۶ هزار میلیارد تومان قرار گرفت.

شاخص کل بورس تهران با رشد ۱۲.۸ هزار و ۷۰۴ واحدی (۱.۷۴ درصد) در ارتفاع ۷ میلیون و ۵۲۱ هزار و ۹۵۱ واحد قرار گرفت و دوباره به کانال ۷.۵ میلیون واحد صعود کرد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۲۳ هزار و ۳۴۸ واحدی (۱.۱۷ درصدی) به دو میلیون و ۱۷ هزار و ۴۹۵ واحد رسید. بازگشت شاخص هم‌وزن به بالای دو میلیون واحد در کنار صعود شاخص کل نشان می‌دهد تقاضای تنها به چند سهم بزرگ محدود نبود. شاخص کل فرابورس ایران هم با افزایش ۹۶۷ واحدی (۱.۶۹ درصد) به ۵۸ هزار و ۱۹۶ واحد رسید و ورود پول حقیقی یکی از مهم‌ترین نقاط قوت معاملات روز گذشته بود. حدود ۷ هزار و ۲۹۶ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی وارد سهام و صندوق‌های سهامی شد که حدود ۶.۳ هزار میلیارد تومان آن به بخش سهام و حدود یک هزار میلیارد تومان به صندوق‌های سهامی اختصاص داشت. در مقابل، حدود یک هزار و ۷۷۵ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. این جابه‌جایی نشان می‌دهد بخشی از نقدینگی همچنان تمایل دارد از دارایی‌های کم‌ریسک‌تر به سمت بازار سهام حرکت کند. بیشترین ورود پول حقیقی نیز به گروه‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، محصولات شیمیایی و سرمایه‌گذاری اختصاص یافت.

غول‌های نفتی آمریکا هشدار دادند؛

آغاز بحران بزرگ سوخت در جهان

بازار جهانی نفت بار دیگر به یکی از مهم‌ترین کانون‌های نگرانی اقتصاد جهان تبدیل شده است. تشدید تنش‌ها در غرب آسیا، تداوم مسدود ماندن تنگه هرمز و نگرانی از کاهش عرضه نفت، قیمت طلای سیاه را به

محدوده ۱۱۰ دلار رسانده است؛ شرایطی که اگر ادامه‌دار شود، می‌تواند موج تازه‌ای از تورم را در اقتصادهای بزرگ جهان ایجاد کند. حالا مدیران غول‌های نفتی آمریکا می‌گویند که بحران سوخت شروع شده است.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

قیمت هربشکه نفت برنت در معاملات دیروز به حدود ۱۰۸ دلار رسید و نفت آمریکا نیز بالای ۱۰۳ دلار معامله شد. تشدید تنش‌های غرب آسیا و نگرانی از وضعیت تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین عامل صعود قیمت نفت است. وال استریت ژورنال نیز در گزارشی با عنوان «بحران بزرگ سوخت از راه رسیده است» نوشت: مدیران نفتی آمریکا معتقدند بحران سوخت جهانی اکنون به مرحله واقعی خود وارد شده است. به نوشته این روزنامه آمریکایی، ذخایر تجاری سوخت جهان بیش از ۶ ماه است که در حال کاهش است و ذخایر راهبردی و سایر ابزارهای مورد استفاده برای مقابله با شوک عرضه نیز تا حد زیادی مصرف شده‌اند. مایک ویرث، مدیرعامل شورون نیز هشدار داده است که حاشیه‌های اطمینان بازار نفت که در آغاز بحران برای محدود کردن شوک قیمت و عرضه وجود داشتند، اکنون تا حد زیادی از بین رفته‌اند. به گفته او، در شرایط کنونی، دیدن دلیلی برای کاهش سریع قیمت نفت دشوار است. این هشدار اهمیت زیادی دارد؛ زیرا مدیران شرکت‌های بزرگ نفتی، برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت بازار، از کاهش «ضربه‌گیرهای» بازار سخن می‌گویند. به بیان دیگر، اگر اختلال عرضه ادامه پیدا کند، بازار ذخایر کمتری برای جبران کمبود خواهد داشت. طبق گزارش جی‌پی مورگان، ذخایر قابل مشاهده نفت جهان از ۸.۴ میلیارد بشکه پیش از بسته‌شدن تنگه هرمز در فوریه ۲۰۲۶، ۶.۸ میلیارد بشکه در ماه جاری کاهش یافته است. در حالی که کریس رایب، وزیر انرژی آمریکا، وعده پر کردن ذخایر راهبردی را می‌دهد، واقعیت این است که طبق داده‌های جی‌پی مورگان، ذخایر جهان به کف عملیاتی ۲.۵ میلیارد بشکه‌ای نزدیک شده است. جی‌پی مورگان هشدار داده که این ذخایر برای حفظ فشار خطوط لوله ضروری هستند و هرگونه برداشت بیشتر، سیستم انرژی جهانی را با فروپاشی مواجه می‌کند.

نفت گران در برابر فدرال رزرو

در آمریکا نیز فشار بر بازار سوخت به شکل محسوسی افزایش یافته است. قیمت گازوئیل در این کشور به حدود ۶.۲۳ دلار در هر گالن رسیده و قیمت بنزین نیز به حدود ۴.۳۲ دلار افزایش یافته است. این وضعیت

برای اقتصاد آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا گازوئیل سوخت اصلی بخش قابل توجهی از کامیون‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی، حمل‌ونقل و صنایع است. افزایش قیمت آن در نهایت خود را در قیمت کالاها و خدمات نشان خواهد داد. افزایش قیمت نفت هزینه بنزین، گازوئیل، حمل‌ونقل و تولید را بالا می‌برد و در مرحله بعد به قیمت کالاها و خدمات منتقل می‌شود. شوک نفتی در شرایطی به اقتصاد آمریکا وارد شده که تورم هنوز بالاتر از هدف فدرال رزرو قرار دارد. براساس آخرین آمار رسمی منتشرشده از سوی اداره آمار کار آمریکا، تورم مصرف‌کننده در اوت ۲۰۲۶ نسبت به ماه قبل ۰.۴ درصد افزایش یافته و نرخ تورم سالانه به ۳.۴ درصد رسیده است. قیمت بنزین نیز در همین ماه ۳.۹ درصد افزایش داشته و شاخص انرژی ۲۰.۱ درصد بالا رفته است. تورم هسته سالانه نیز ۲.۴ درصد بوده است. این ارقام نشان می‌دهد انرژی بار دیگر به یکی از موتورهای اصلی افزایش قیمت‌ها تبدیل شده است؛ بنابراین، افزایش بیشتر قیمت نفت می‌تواند فشار تورمی در آمریکا را تشدید کند. بانک مرکزی آمریکا اگر برای مقابله با تورم نرخ بهره را بالا ببرد، هزینه استقراض خانوارها و شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند و رشد اقتصادی تحت فشار قرار می‌گیرد. اگر هم در برابر شوک انرژی بیش از اندازه محتاط باشد، خطر تثبیت تورم بالاتر از هدف ۲ درصدی افزایش می‌یابد. بازار اوراق خزانه نیز به این نگرانی واکنش نشان داده است. بازده اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری آمریکا برای نخستین بار از اکتبر ۲۰۲۳ از مرز ۵ درصد عبور کرد و به حدود ۵.۰۱ درصد رسید. اگر نفت گران باعث شود تورم برای مدت طولانی‌تری بالا بماند، بازار احتمال نرخ‌های بهره بالاتر را در قیمت‌ها لحاظ خواهد کرد که نتیجه آن، افزایش هزینه تأمین مالی برای دولت‌ها، شرکت‌ها و خانوارها خواهد بود.

اروپا و بحران انرژی و تورم

اروپا نیز از این بحران در امان نمانده است. بانک مرکزی اروپا روز دوشنبه هفته جاری نسبت به افزایش قیمت انرژی هشدار داد. انزابیل سنابل، عضو هیأت اجرایی بانک مرکزی اروپا، گفت: «تحولات اخیر قیمت انرژی نگران‌کننده است و قیمت نفت، فرآورده‌هایی مانند گازوئیل و به‌ویژه گاز طبیعی بالاتر از سطوح پیش‌بینی شده قرار گرفته‌اند.» این نگرانی در شرایطی مطرح شده که بانک مرکزی اروپا پیش‌تر در ۱۰ سپتامبر نرخ‌های بهره خود را ۲۵ واحد پایه

نبض اقتصاد

مسیر صادرات نفت سعودی‌ها دوباره به هرمز بازگشت

عربستان سعودی پس از سال‌ها تلاش، برنامه‌ریزی و میلیاردها دلار هزینه برای دور زدن تنگه هرمز از طریق «خط لوله شرق به غرب»، اکنون در پی حمله به این خط لوله و تأسیسات مرتبط با آن، ناچار به بازگشت به هرمز و خلیج فارس شده است. خط لوله شرق-غرب، با طولی نزدیک به ۱۲۰۰ کیلومتر، مسیری راهبردی برای ریاض به شمار می‌رود؛ چراکه امکان انتقال نفت از مناطق تولیدی این کشور به سواحل دریای سرخ و در نتیجه دور زدن تنگه هرمز را فراهم می‌کند. این خط پس از آغاز تهاجم آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران فعال ترشد و به یکی از مهم‌ترین مسیرهای جایگزین برای صادرات نفت ریاض تبدیل گشت. با این حال، حملات هفته گذشته دست‌کم به دو نقطه از این خط لوله آسیب رساند و فعالیت آن را متوقف کرد. برپایه گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، ممکن است این خط لوله برای چند هفته از مدار خارج بماند؛ موضوعی که در صورت تداوم، فشار بیشتری بر ظرفیت صادرات نفت ریاض وارد خواهد آورد.

خط لوله شرق-غرب ظرفیت انتقال روزانه ۷ میلیون بشکه نفت را دارد که حدود ۵ میلیون بشکه آن به صادرات اختصاص دارد و مابقی برای مصارف پالایشگاه‌های ساحلی به کار می‌رود. از این‌رو، ایجاد اختلال در این مسیر تنها یک چالش لجستیکی برای سعودی‌ها نیست، بلکه می‌تواند بر حجم نفت عرضه‌شده به بازارهای جهانی نیز اثر بگذارد. خبرگزاری بلومبرگ نیز گزارش داد ریاض در واکنش به این رخداد، در روزهای نخست سپتامبر انتقال نفت از تنگه هرمز را افزایش داده است.

براساس اطلاعات ردیابی نفتکش‌ها، شرکت آرامکو در اوایل سپتامبر مجموع صادرات روزانه خود را به حدود ۴ میلیون بشکه رساند که نزدیک به یک میلیون بشکه از آن از طریق تنگه هرمز مابقی از بندر «ینع» در دریای سرخ صادر شده است. این ارقام در مقایسه با ماه اوت اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا صادرات نفت ریاض در ماه اوت به حدود ۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود که پایین‌ترین میزان صادرات این کشور در دست‌کم ۹ سال گذشته به شمار می‌رود. همچنین افزایش حضور نفتکش‌های سعودی در حوالی تنگه هرمز، نشانه دیگری از تغییر مسیر صادراتی آن‌هاست. تصاویر ماهواره‌ای حاکی از آن است که طی روزهای اخیر، فعالیت نفتکش‌ها در یکی از پایانه‌های بزرگ صادراتی سعودی‌ها در خلیج فارس افزایش چشمگیری داشته است.

با این همه، بازگشت نفت ریاض به مسیر هرمز با مانعی جدی روبه‌روست: «کمبود نفتکش». افزایش ریسک‌های امنیتی در منطقه سبب شده ظرفیت حمل‌ونقل دریایی نفت محدودتر و نرخ اجاره نفتکش‌ها به شدت جهش یابد. ریاض هرچند ناوگان بزرگی در اختیار دارد، اما برای جهش صادراتی در مقاطعی نیازمند اجاره کشتی‌های مازاد خواهد بود.

هزینه انتقال نفت از بنادر شبه‌جزیره در خلیج فارس به چین، روز جمعه به حدود یک میلیون دلار در روز رسید؛ رقمی بی‌سابقه که بنا بر گزارش‌های منتشره، برای نخستین بار در تاریخ ثبت می‌شود. این جهش هزینه بدین معناست که حتی در صورت تأمین نفت خام، انتقال آن به بازارهای مقصد مستلزم پرداخت هزینه‌هایی به مراتب سنگین‌تر خواهد بود. ریاض پیش‌تر تلاش کرده بود با اتکا به خط لوله شرق-غرب، وابستگی خود به تنگه هرمز را بکاهد. این خط پس از آغاز درگیری‌ها، با هدايت بحران نفت از هرمز به سمت دریای سرخ، نقشی ضربه‌گیر را در بازار انرژی ایفا می‌کرد. اما توقف فعالیت این مسیر جایگزین نشان داد که حتی بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در منطقه نیز از آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انتقال انرژی مصون نیستند.



تبدیل تنگه هرمز به اهرم قدرت منطقه‌ای ایران

سید احسان خاندوزی، رئیس کارگروه بررسی‌های اقتصادی دفتر رهبر انقلاب و وزیر اقتصاد دولت سیزدهم می‌گوید: مسئله تنگه هرمز را نباید صرفاً با محاسبه عایدات اقتصادی و مالی آن سنجید، چراکه مدیریت این تنگه می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم در بازتعریف مناسبات اقتصادی، تحریمی، سیاسی و ژئوپلیتیک ایران با کشورهای منطقه باشد. ایران می‌تواند به جای آنکه مدیریت تنگه هرمز را صرفاً یک مسئله اقتصادی تلقی کند، شرکای راهبردی خود را در این موضوع مشارکت دهد و آن‌ها را در قدرت جدید منطقه‌ای ایران سهیم کند. تکرار تهدیدها درباره بازگشایی تنگه و تلاش برای همراه کردن کشورهای مختلف با این موضوع نشان می‌دهد که هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست، بلکه به یک مسئله حیثیتی و راهبردی تبدیل شده است. تنگه هرمز می‌تواند به یکی از نقاط آینده‌ساز برای ایران تبدیل شود و نحوه مدیریت آن، در کنار استفاده از ظرفیت شرکای راهبردی، می‌تواند بر جایگاه منطقه‌ای و مناسبات اقتصادی و ژئوپلیتیک کشور اثرگذار باشد.

یادداشت

هزینه جبران ناپذیر
روی دست آمریکامحسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تصویری که دولت ترامپ در ماه‌های گذشته از توان نظامی آمریکا ارائه می‌کرد، حالا با یک گزارش رسمی از داخل پنتاگون زیر سؤال رفته است. بازررس کل وزارت دفاع آمریکا در گزارشی که روز دوشنبه به کنگره ارائه شده، اعلام کرده هزینه عملیات نظامی آمریکا علیه ایران در فاصله ۲۸ فوریه تا ۳۰ ژوئن به حدود ۳۳.۴ میلیارد دلار رسیده که ۲۲.۳ میلیارد دلار آن فقط برای مهمات هزینه شده است. مهم‌تر از رقم هزینه‌ها اما نتیجه‌ای است که خود گزارش روی آن دست گذاشته این است که مصرف مهمات در جنگ ایران باعث ایجاد کسری در ذخایر راهبردی آمریکا شده و گلوگاه‌های جدی در صنعت تسلیحاتی این کشور را آشکار کرده است.

این گزارش پاسخ روشنی به اظهارات اخیر دونالد ترامپ است. رئیس‌جمهور آمریکا تنها دو هفته پیش گفته بود کشورش تقریباً مقدار نامحدودی مهمات با کیفیت بالا و متوسط در اختیار دارد و همزمان کارخانه‌های دفاعی آمریکا با بیشترین ظرفیت تاریخ مشغول تولید هستند. اما گزارش بازررس کل پنتاگون می‌گوید مشکل دقیقاً در همین نقطه است که آمریکا می‌تواند همچنان مهمات مصرف کند، اما تولید و جایگزینی برخی از مهمات پیشرفته با سرعت مصرف آنها پیش نمی‌رود. بازررس کل سه مشکل اصلی را نیز مشخص کرده است؛ ظرفیت تولید موتورهای راکت جامد، تأمین مواد منفجره و پیشران‌های باکیفیت و کمبود نیروی متخصص در کارخانه‌های تسلیحاتی. بنابراین زنجیره تولید تسلیحات آمریکا هم برای یک جنگ طولانی مدت تحت فشار قرار گرفته است. حتی مارک کانسیان، کارشناس مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا، صراحتاً گفته است که واشنگتن احتمالاً برای ادامه جنگ با ایران مهمات کافی دارد، اما اگر همزمان درگیر جنگی با چین شود، وضعیت متفاوت خواهد بود. به گفته او، آمریکا شاید برای یک ماه مهمات کافی داشته باشد، اما تأمین جنگ در ماه‌های دوم، سوم و چهارم به یک چالش بزرگ تبدیل خواهد شد. صورت حساب جنگ برای آمریکا به مهمات محدود نمانده است. گزارش پنتاگون تأیید می‌کند حملات ایران به صدها ساختمان و سازه در پایگاه‌های آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات، عربستان، عراق، عمان و اردن آسیب زده یا آنها را تخریب کرده است. تأسیسات دیپلماتیک آمریکا در عراق، کویت، عربستان و امارات نیز حدود ۱۸۴ میلیون دلار خسارت دیده‌اند.

از سوی دیگر، چهار فروند F-15 آمریکا منهدم شده، یک فروند F-35 آسیب دیده، هفت هواپیمای سوخت‌رسان KC-135 آسیب دیده یا منهدم شده و تا ۳۰ پهپاد Reaper 9-MQ نیز از دست رفته‌اند.

حتی پایگاه بحرین، که محل استقرار ناوگان پنجم آمریکا و یکی از مراکز مهم لجستیکی واشنگتن در منطقه است، پس از حملات ایران با مشکل مواجه شد و ارتش آمریکا مجبور شد بخشی از خطوط پشتیبانی خود را به مراکز دورتر منتقل کند.

فاطمه احمدی‌شاد
روزنامه‌نگار

۶



بحران شام

بحران معیشتی در سوریه پس‌اسد دیگر به افزایش قیمت کالاها محدود نیست و به اعتراضات خیابانی تبدیل شده است. دولت جولانی ابتدا با کاهش وزن نان یارانه‌ای، قیمت واقعی آن را افزایش داد و حالا با جهش قیمت بنزین و گازوئیل، هزینه حمل‌ونقل، کشاورزی، نانواپی و توزیع کالا را نیز بالا برده است. این تصمیم‌ها در شرایطی اتخاذ می‌شود که تورم بالا و کاهش قدرت خرید، بخش مهمی از افزایش حقوق کارکنان دولت را خنثی کرده است.

در ۱۳ سپتامبر، دمشق قیمت گازوئیل را ۴۰ درصد افزایش داد و قیمت انواع بنزین را ۲۶ تا ۲۸ درصد بالا برد. این دومین افزایش قیمت سوخت در فاصله تنها ۹ روز بود. نتیجه، اعتراض در چندین استان، از جمله ادلب، حلب، رقه و حسکه، مسدود شدن جاده‌ها و توقف برخی محموله‌های نفتی بود که با مشت آهنین و سرکوب روبه‌رو شد. طبق گزارشات، تنها در روز ۱۳ سپتامبر ۳۶ اعتراض مرتبط با افزایش قیمت سوخت ثبت شده است. سوریه از نظر منابع انرژی فقیر نیست، اما دولت مرکزی سال‌ها نتوانسته این منابع را به درآمد پایدار تبدیل کند. پیش از جنگ، سوریه حدود ۴۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می‌کرد. جنگ این ظرفیت را تقریباً نابود کرد؛ تولید در سال ۲۰۲۳ به حدود ۴۰ هزار بشکه در روز سقوط کرده بود و سوریه از اواخر ۲۰۱۱ عملاً صادرکننده نفت نبود. بخش مهمی از میادین نفت و گاز سوریه در شرق و شمال شرق کشور، به ویژه در استان‌های دیرالزور و حسکه، قرار دارد. پس از شکست داعش، نیروهای دموکراتیک سوریه، با پشتیبانی نظامی آمریکا کنترل بخش بزرگی از این مناطق را در دست گرفتند. در نتیجه، دمشق در سال‌های پایانی حکومت اسد و در نخستین دوره پس از سقوط او، کنترل مستقیم بر بخش مهمی از منابع نفتی کشور نداشت. نفت سوریه «مال آمریکا» نبود و واشنگتن مالکیت رسمی میادین را در اختیار نگرفت؛ اما بخش بزرگی از میادین نفتی در قلمروی تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه قرار

وضعیت اعتراضات سوریه پس‌اسد نشان می‌دهد که حکومت مورد رضایت آمریکا نتوانسته برای مردم رفاه به ارمغان بیاورد

اقتصاد علیه جولانی

سوریه در سپتامبر ۲۰۲۶ وارد مرحله‌ای شده که برای حکومت احمد الشرع می‌تواند تعیین‌کننده باشد. اعتراضات اخیر به افزایش قیمت سوخت به نقطه‌ای تبدیل شده که در آن مجموعه‌ای از بحران‌های انباشته‌شده از جمله کاهش قدرت خرید، ضعف درآمدهای دولت، فرسودگی زیرساخت انرژی، هزینه بازسازی و مسئله توزیع منابع همزمان خود را نشان می‌دهند و ناتوانی دولت جولانی را به رخ می‌کشیدند.

داده است. همزمان تورم سالانه در ماه مه به حدود ۳۹۰.۹ درصد رسید و هزینه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها نسبت به سال قبل ۵۸.۵ درصد افزایش داشت.

از «قیمت سوخت»
تا «مشروعیت اقتصادی»

بحران معیشتی سوریه تنها به قیمت سوخت و مواد غذایی محدود نمانده و به حقوق کارکنان دولت نیز رسیده است. پس از سقوط اسد، دولت الشرع با دستگاہی روبه‌رو شد که میلیون‌ها نفر به آن وابسته‌اند، اما منابع مالی کافی برای پرداخت دستمزدها و حفظ قدرت خرید آنها وجود نداشت. در ژوئن ۲۰۲۵، دمشق حقوق کارکنان دولتی و نظامی را ۲۰۰ درصد افزایش داد و در سال ۲۰۲۶ نیز افزایش ۵۰ درصدی دیگری اعلام کرد؛ با این حال، افزایش سریع قیمت کالاها و اساسی، انرژی، حمل‌ونقل و مسکن باعث شد بخش مهمی از این افزایش اسمی دستمزد خنثی شود. در نتیجه، اعتراضات و ناراضی‌های کارمندان بیش از آنکه صرفاً مطالبه‌ای «حقوق بیشتر» باشد، به مطالبه‌ای درباره قدرت خرید و امنیت شغلی تبدیل شده است؛ به ویژه در شرایطی که دولت همزمان برای مهار کسری بودجه، یارانه‌ها و هزینه‌های عمومی را تحت فشار قرار داده است.

ادلب؛ جایی که اقتصاد
با سیاست برخورد می‌کند

اهمیت اعتراضات ادلب فقط اقتصادی نیست. ادلب زمانی قلب قدرت جولانی بود؛ منطقه‌ای که هیئت تحریر الشام در آن ساختار حکومتی، امنیتی و اقتصادی خود را ایجاد کرده بود. اما حتی پیش از سقوط اسد، رابطه جولانی با همه ساکنان ادلب بدون تنش نبود. در ۲۰۲۴ اعتراضات متعددی علیه تحریرالشام و شخص جولانی شکل گرفت. شعار «یسقط الجولانی» در این اعتراضات شنیده شد و معترضان علاوه بر مسائل معیشتی، خواستار آزادی زندانیان و اصلاح ساختار امنیتی و سیاسی بودند. این شعارها آغاز یک روند جدید و فصلی تازه در مشروعیت حکومت دولت سوریه آمریکایی هستند.

گفته می‌شود تقریباً نیمی از اعتراضات ثبت‌شده در هفته نخست سپتامبر، ماهیت اقتصادی داشتند و تنها در ۱۳ سپتامبر ۳۶ اعتراض مشخصاً علیه افزایش قیمت سوخت رخ داد.

داشت؛ و نهایتاً به صورت غیررسمی ایالات متحده نفت را به غارت میبرد. این وضعیت برای حکومت الشرع یک مسئله استراتژیک است. دولت جدید در دمشق مسئول پرداخت حقوق، تأمین سوخت، اداره دستگاه دولتی و بازسازی کشور بود، اما یکی از مهم‌ترین منابع بالقوه درآمد خود را مستقیماً در اختیار ندارد.

آزمون اقتصادی جولانی

افزایش قیمت سوخت به یکی از نخستین آزمون‌های جدی اقتصادی دولت احمد الشرع تبدیل شده است. دمشق در ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ قیمت بنزین را ۲۸ درصد و گازوئیل را ۴۰ درصد بالا برد. از فوریه ۲۰۲۶، بنزین حدود ۸۶ درصد و گازوئیل بیش از دو برابر گران شده‌اند، در حالی که قیمت جهانی نفت در همین دوره حدود ۴۴ درصد افزایش داشته است. نسبت به آخرین قیمت‌های رسمی در ماه‌های پایانی حکومت بشار اسد، قیمت بنزین حدود ۶۲ درصد و گازوئیل حدود ۶۳ درصد افزایش یافته است. مسئله برای دولت جدید اما فقط قیمت بنزین نیست؛ سوخت در سوریه شاخصی از بحران گسترده‌تر هزینه زندگی است. افزایش قیمت گازوئیل مستقیماً هزینه حمل‌ونقل، کشاورزی، نانواپی و توزیع مواد غذایی را بالا می‌برد و در اقتصادی که تورم سالانه در مه ۲۰۲۶ حدود ۴۰ درصد گزارش شده، فشار آن مستقیماً به خانوار منتقل می‌شود.

نان؛ سیاست ریاضتی
بدون اعلام افزایش قیمت

بنزین اولین نمونه افزایش قیمت نبود. پیش از بنزین دولت با اعتراضات افزایش قیمت نان روبه‌رو بود. در ماه مه، دولت وزن بسته نان یارانه‌ای را از ۱۲۰۰ گرم به ۱۰۵۰ گرم کاهش داد، اما قیمت آن را روی ۴۰۰۰ لیبره قدیم، معادل ۴۰ لیبره جدید، ثابت نگه داشت. روی کاغذ قیمت افزایش نیافت. اما در واقعیت، مصرف‌کننده برای مقدار کمتری نان همان پول را پرداخت کرد. مرکز پژوهش سیاست سوریه محاسبه کرده که این تغییر وزن، قیمت مؤثر هر کیلو نان را حدود ۱۴.۳ درصد افزایش

یادداشت

رپرتاژی از دل نیویورک
برای روحانی و ظریفپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

در ماه‌های اخیر، یکی از پدیده‌های قابل تأمل در فضای رسانه‌ای غرب، انتشار سلسله گزارش‌هایی در نیویورک تایمز به قلم فرنز فصحی است؛ گزارش‌هایی که بخش قابل توجهی از آنها نه برپایه اسناد روشن و قابل راستی آزمایی، بلکه بر نقل قول‌های بی‌نام، ادعاهای مبهم و روایت‌هایی استوار شده‌اند که در بسیاری موارد امکان سنجش مستقل آنها وجود ندارد. وجه مشترک این مجموعه گزارش‌ها نیز حمله به چهره‌ها و نهادهایی است که در برابر روایت مطلوب جریان حسن روحانی، محمد جواد ظریف و برجای‌های مسلط بر دولت پزشک‌پس‌پس قرار می‌گیرند.

از منظر حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، نگاهی به دروغ نویسی‌های فصحی و رون‌برگمن، خبرنگاری که به رپرتاژهای همسو با روایت اسرائیل شهرت دارد، این مسئله مهم را برجسته می‌کند که وقتی ادعاهای سنگین امنیتی و سیاسی بدون سند روشن، روایت مستقل، فکت قابل اثبات و استدلال منسجم منتشر می‌شوند، مرز میان «گزارش خبری» و «گزارشات به سفارش سفارش دهندگان خاص» به شدت باریک می‌شود.

فصحی طی این گزارش‌ها، از طرح ادعای جاسوسی محمود احمدی‌نژاد تا انتشار ادعای حصر خانگی او پیش رفته است؛ ادعایی که حضور وی در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام، کذب بودن آن را نشان داد. در ادامه نیز ادعاهایی کذب درباره جراحات شدید رهبر انقلاب آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای مطرح شد. اما تازه‌ترین گزارش، بیش از همه محل تأمل است. فصحی در گزارشی جدید مدعی شده است که مسعود پزشکیان پس از حمله به سه کشتی تجاری در تنگه هرمز خشمگین شده و این اقدام را «بی‌پروایانه و غیرمسئولانه» خوانده است. براساس همین روایت، رئیس‌جمهور با احمد وحیدی فرمانده کل سپاه تماس گرفته و او نیز مدعی شده نه مجوزی صادر کرده و نه شورای عالی امنیت ملی از عملیات مطلع بوده است. این ادعاها، با وجود وزن سیاسی سنگین، در گزارش به اتکالی «چند مقام ایرانی» و بدون ارائه سند مشخص و حتی فکت و استدلال خاصی مطرح شده‌اند.

در این میان، نزدیکی سیاسی و رسانه‌ای فصحی سابقاً اصلاح طلب به محافل نایاک و ظریف در آمریکا، به عنوان یک قرینه، می‌تواند این پرسش را تقویت کند که آیا این گزارش‌ها صرفاً محصول روزنامه‌نگاری اند یا بخشی از جنگ رسانه‌ای خائنه غرب‌گرایان هستند. تکرار حمله به مهم‌ترین رقبای روحانی، مقامات نظامی و حتی جایگاه رهبری، این ظن را تقویت می‌کند.

گزارش تازه نیز دقیقاً همین مسیر را دنبال می‌کند: توافقی که از ابتدا فاقد تضمین‌های معتبر بود، اکنون در روایت نیویورک تایمز به گونه‌ای بازسازی می‌شود که گویی قربانی آنچه «تدروهای ایران» می‌خوانند شده است. روایتی که می‌کوشد شکست یک توافق ناکارآمد را از دوش طراحان آن بردارد و هزینه آن را برگردن دیگران ببندارد.

وضعیت
فاجعه‌بار
میدان مشق

اظهارات قشقاوی
در کنار مواضع
حمید قنبری،
معاون دیپلماسی
اقتصادی

وزارت خارجه، و
عملکرد رسانه‌ای
و دیپلماتیک
عراقچی،
نشانه‌هایی از
ضعف تحلیلی
و محاسباتی

تیم فعلی این
وزارتخانه را آشکار
می‌کند؛ تیمی که
نه تنها در شناخت
رفتار آمریکا و
ترامپ دچار خطای
جدی شده،

بلکه در ماجرای
تنگه هرمز،
میانجیگری‌های
منطقه‌ای و
مدیریت روایت
مذاکرات نیز بارها
ابتکار عمل را به
طرف مقابل واگذار
کرده است.

روایت‌های تازه از مذاکرات پیش از جنگ، خطای محاسباتی تیم مذاکره‌کننده را آشکارتر می‌کند

سوءمحاسبه‌ای که به جنگ رسید

بود می‌توان با وعده سود اقتصادی، ترامپ را از مسیر تقابل با ایران منصرف کرد. تکرار همین نگاه در اظهارات معاون اقتصادی عراقچی، نشان می‌دهد با یک خطای فردی مواجه نیستیم.

روایت حسن قشقاوی از پیشنهاد ۵۰۰ میلیارد دلاری ایران به شرکت‌های آمریکایی، تصویری نگران‌کننده از منطق محاسباتی سیدعباس عراقچی و تیم او در وزارت امور خارجه ارائه می‌کند؛ تیمی که ظاهراً تصور کرده



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

آمریکا، منافع مشترک در حوزه‌های نفت و گاز، سرمایه‌گذاری‌های معدنی و حتی خرید هواپیما در متن مذاکرات گنجانده شده و برای پایداری توافق «ضروری است که آمریکا نیز بتواند در حوزه‌هایی با بازده اقتصادی بالا و سریع، بهره‌مند شود.» لازم به ذکر است که این موضع قنبری درست در زمانی است که طبق گفته پوتین آمریکا حتی پیشنهاد رقیق سازی و انتقال اورانیوم به روسیه را نیز در آن زمان رد کرده بود. یعنی در شرایطی که آمریکای ترامپ جنگ را انتخاب کرده بود، محاسبه وزارت امور خارجه و بانک مرکزی این بوده که باید برای آمریکا «منفعت اقتصادی» تعریف کرد تا از جنگ بر علیه ایران منصرف شود.

جالب‌تر آنکه این رویکرد، سابقه‌ای پیش از مذاکرات اخیر دارد. نگاهی به نوشته عراقچی در اواخر فروردین ۱۴۰۴ و در شرایطی که اکنون معلوم شده محتوای نامه ترامپ در نوروز ۱۴۰۴ به رهبری شهید کاملاً اعلام جنگ بود عمق خوش بینی و ساده اندیشی سکاتدار دستگاه دیپلماسی را نشان می‌دهد. وی در این نوشته خود در واشنگتن پست اظهار می‌کند: «اکنون توپ در زمین آمریکا است. اکنون فرصتی وجود دارد تا ایالات متحده سرانجام یک «رئیس‌جمهور صلح» داشته باشد. این که آیا این فرصت را مغتنم می‌شمارد یا نه، انتخاب خود آنهاست.»

اشتباه محاسباتی ادامه دار!

اما واقعیت میدان، بعدها نشان داد که مسئله صرفاً انتخاب میان «صلح» و «مذاکره» نبود. طرف آمریکایی و رژیم صهیونیستی بیشتر مسیر تقابل را انتخاب کرده بودند و در روزی که عراقچی از پیشرفت مذاکرات گفت جنگ ۱۲ روزه رقم خورد.

حتی در دوران مذاکرات برجام نیز تجربه‌ای وجود داشت که باید برای دستگاه دیپلماسی امروز درس آموز می‌بود. در دولت باراک اوباما، با وجود ادبیات متفاوتی نسبت به ترامپ داشت،

حسن قشقاوی، نماینده مجلس شورای اسلامی، در سخنانی جدید روایتی از نگاه دستگاه دیپلماسی در مذاکرات پیش از جنگ ۱۲ روزه ارائه کرده که نشان دهنده عمق یک خطای محاسباتی جدی است. قشقاوی در خصوص نگاه هیئت ایرانی در مذاکرات ژنو گفته است: «در سه مرحله مذاکرات ژنو، چرا ۵۰۰ میلیارد دلار به شرکت‌های آمریکایی پیشنهاد همکاری اقتصادی دادیم؟ ما به صورت جزئی و دقیق به آمریکایی‌ها اعلام کردیم که برای همکاری اقتصادی آماده‌ایم و گفتیم در خدمت هستیم. در حالی که طرف مقابل در ذهن خود به من می‌گفت: من معتقدم ایران باید تجزیه شود، اما شما در حال مذاکره برای انعقاد قرارداد با من هستید. من تحت تأثیر اسرائیل می‌خواهم شما را نابود کنم، اما شما می‌خواهید با من قرارداد ۵۰۰ میلیارد دلاری منعقد کنید.»

او در ادامه با اشاره به حضور حمید قنبری، معاون اقتصادی وزیر امور خارجه، در مذاکرات و مطرح شدن پیشنهاد همکاری آمریکا در حوزه‌های نفت و گاز، معدن، محیط زیست و حمل و نقل و همچنین حضور عبدالناصر همتی و قنبری در اجلاس سوم، توضیح داده است که این پیشنهاد بر اساس این تحلیل مطرح شده که ترامپ «فردی اقتصادی و اهل کسب و کار» است و اگر «بوی اقتصاد و سود» را احساس کند، از مواضع خود عقب‌نشینی خواهد کرد.

اول آمریکا در ایران!

در کنار این روایت، موضعی از سوی خود حمید قنبری، معاون دیپلماسی اقتصاد و وزارت امور خارجه، در نشست شورای کمیسیون‌های اتاق ایران در بهمن ۱۴۰۴، بر صحت سخنان قشقاوی در خصوص ساده اندیشی‌های مقامات وزارت امور خارجه صحنه می‌گذارد. او گفته بود در مذاکرات جاری ایران و

یادداشت

وقتی هالیوود هم حریف پدافند ایرانی نشد

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

سقوط جنگنده فوق‌پیشرفته F-۱۵E ارتش آمریکا در دشت‌های مهیار، فراتر از یک حادثه نظامی، نمادی عینی از فرو ریختن هیمنه پوشالی شیطان بزرگ در برابر اراده آهنین جبهه مقاومت بود. انتشار مستند اخیر شبکه «سی‌بی‌اس» پیرامون این واقعه، تلاشی مدبوحانه از سوی اتاق جنگ رسانه‌ای واشنگتن برای بزرگ کردن یک شکست مفتضاحانه است.

تلاش بوق‌های تبلیغاتی غرب برای تبدیل سرنوشتی جنگنده متجاوز به یک حماسه سینمایی، نشان دهنده استیصال عمیق سردمداران کاخ سفید است. آپارات‌س رسانه‌ای غرب که سال‌هاست با تکیه بر تکنیک‌های «هالیوود یازاسیون»، واقعیت‌ها را در ذهن مخاطب جهانی وارونه جلوه می‌دهد، این بار در برابر حقیقت اصابت موشک‌های بومی پدافند هوایی، کم آورد. نمایش تصاویری به اصطلاح «طبقه‌بندی شده» از عملیات نجات، بیش از آنکه نمایش قدرت باشد، بازتولید سناریوهای میتدل سینمایی برای تسکین افکار عمومی تحقیرشده‌شان است. گویی واشنگتن گمان می‌کند با فیلترهای رنگی و موسیقی‌های حماسی سطح پایین، می‌تواند عمق این ضربه مهلک را از دیدگان پنهان کند.

اما نکته قابل تأمل، خشم جریان‌های سیاسی داخل خود ایالات متحده است. درگیری‌های اخیر میان جناح‌های جمهوری خواه و دموکرات در نقد این گزارش، نشان می‌دهد که این رسوایی، فراتر از یک شکست میدانی، به یک بحران در «اعتبار استراتژیک» آمریکا بدل شده است. دیگر نه لابی‌های قدرت و نه پروپاگاندای رسانه‌ای، توان پوشاندن زخم‌های عمیق بر پیکره ارتش تروریستی یانکی‌ها را ندارند.

این عملیات فریب، آخرین پرده از نمایش‌های پرهزینه قدرت نمایی شکست‌خوردۀ ای است که به هیچ وجه نمی‌تواند این حقیقت را تغییر دهد که آسمان منطقه دیگر جولانگاه پرنده‌های متجاوز نیست. آنچه در دشت مهیار رقم خورد، گواهی است بر پایان دوران یکه‌تازی استکبار. امروز، حتی خود جریان‌های معارض در درون ساختار سیاسی آمریکا نیز دریافته‌اند که روایت‌سازی دیگر حریف واقعیت‌های میدانی نمی‌شود و افول تمدن غرب، بیش از آنکه در میدان نبرد آشکار شود، در تلاش‌های مدبوحانه برای انکار واقعیت، هویدا شده است. این سقوط، طلیعه‌ای بر پایان عصر سلطه است. حقیقتی که هیچ کارگردانی در هالیوود توان تحریف آن را نخواهد داشت.

وقتی برخی رسانه‌ها به جای مطالبه‌گری، به تطهیر یک پرونده می‌پردازد!

سپر رسانه‌ای برای قرایی

طلب کند. اما این رسانه به‌جای طرح این پرسش‌ها، منتقدان را به پرونده‌سازی متهم کرده و حتی اصالت سندی را که حاوی اظهارات توهین‌آمیز و جنجالی قرایی است، زیر سؤال برده است. عجیب‌تر آنکه همین رسانه، فیلمی را نماینده سینمای ایران خوانده که رئیس سازمان سینمایی رسماً چنین عنوانی را برای آن نفی کرده است. پرسش روشن است: چرا مشرق به‌جای مطالبه پاسخ، به میدان دفاع از قرایی وارد شده است؟



علی نقدی
روزنامه‌نگار

برای فهم آنچه در گزارش مشرق رخ داده، کافی است پاسخ یک سؤال ساده را جویا شویم: اصل ماجرا چیست، و مشرق درباره کدام بخش از آن توضیح داده است؟

اصل ماجرا یک پست اینستاگرامی توهین‌آمیز در مورد رهبر شهید نیست (منظور در پرونده فیلم است). اصل ماجرا فیلمی است که در جشنواره ونیز حضور یافته، در حالی که به گفته رئیس سازمان سینمایی، نه پروانه نمایش وزارت ارشاد را دارد و نه به‌عنوان نماینده رسمی سینمای ایران شناخته می‌شود. در کنار این موضوع، مسئله دیگری نیز وجود دارد که با برچسب پرونده‌سازی نمی‌توان از کنارش گذشت: اظهارات خود محسن قرایی درباره ارائه فیلمنامه‌ای جعلی به وزارت ارشاد.

دقیقاً همین جاست که از رسانه‌ای مدعی دفاع از ساختار فرهنگی کشور، مطالبه‌گری انتظار می‌رود. باید پرسید این فیلم چگونه ساخته شده است؟ بدون پروانه نمایش چگونه به یک جشنواره خارجی راه یافته؟ چه مسیری طی شده که اثری خارج از چارچوب رسمی در چنین سطحی عرضه شود؟ و اساساً مسئولیت این اتفاق برعهده کیست؟

اما مشرق به‌جای طرح این پرسش‌ها، مسیر بحث را تغییر داده است. این رسانه در گزارش خود، تصویری از صفحه اینستاگرام قرایی را که حاوی اظهارات جنجالی است، ساختگی خوانده و منتقدان را به پرونده‌سازی متهم کرده است. اما اگر سند جعلی است، دلیل جعلی بودنش کجاست؟ چرا به‌جای ارائه استدلال و مستندات، صرفاً حکم صادر شده است؟

حتی اگر برای لحظه‌ای آن‌را تصویر بپذیریم، آیا سایر پرسش‌ها نیز جعلی‌اند؟ آیا رئیس سازمان

یادداشت

لبنانیزه‌شدن از رگ گردن به سینمای ایران نزدیک‌تر است

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

علیرضا داوودنژاد خبر داده که پیشنهاد ساخت فیلمی در باب جنگ چهل‌روزه به او شده و به همین دلیل تمام پروژه‌های دیگرش را کنار گذاشته تا فقط روی این موضوع تمرکز کند. فیلمنامه این اثر به‌تیه‌کنندگی مازیار هاشمی و مشارکت و حمایت سازمان اوج نوشته شده و در حال تکمیل است تا به‌زودی با نهایی شدن متن، تولید را هم شروع کنند. این حرکت یعنی ساخت فیلم درباره جنگ رمضان کار بسیار خوبی است و نشان می‌دهد که نسل اول فیلم‌سازان انقلاب همچنان برایشان مسائل انضمامی و عینی اهمیت دارد.

اما چرا ساخت فیلم در مورد این واقعه سرنوشت‌ساز تبدیل به یک سنت ماندگار نمی‌شود و کسی این قضیه را از بدنه سینمای کشور مطالبه هم نمی‌کند؟ این پرسش تلخی است که باید بسیار جدی گرفته شود. برای پاسخ به این پرسش باید چند روز پیش را به یاد آورد که قیس قریشی تحلیل‌گر سیاسی و کارشناس ژئوپلیتیک گفت جامعه ایران در حال لبنانیزه شدن است و بخشی از اجتماع اصلاً برایشان اهمیت ندارد که آمریکا و اسرائیل چه جنایت‌هایی در این خاک انجام داده‌اند. گویا این وضعیت در سینما هم به شکل دیگری در حال رخ دادن است و کمتر کسی به جنگ و مقاومت اهمیت می‌دهد. وقتی بخشی از جامعه نسبت به سرنوشت ملل مظلوم بی تفاوت شده، طبیعی است که فیلم‌سازان هم از پرداختن به این موضوعات حیاتی فاصله بگیرند و سراغ سوژه‌های کم‌خطرتر و تجاری‌تر بروند.

در واقع بی تفاوتی اجتماعی مستقیماً بر ذائقه هنری و موضوعات سینمایی اثر مخرب می‌گذارد و چرخه‌ای معیوب می‌سازد. برای نمونه، مهران مدیری علی‌رغم ادعای نقد فرهنگی، می‌رود در نشست یکی از مؤسسه‌های پکیج فروش کنکوری حضور پیدا می‌کند و کاملاً دید انتزاعی نسبت به اوضاع پیرامونش دارد. چنین هنرمندی که همواره ادعای روشنفکری و تحلیل اجتماعی داشته، در حال حاضر کارش به جایی کشیده شده که با حضور در محافل تجاری نشان می‌دهد دغدغه‌اش چیزی فراتر از سرگرمی و منافع شخصی نیست.

وقتی نگاه هنرمندان به این سطح تقلیل پیدا می‌کند، نباید انتظار داشت کسی به سراغ جنگ رمضان یا نبردهای سرنوشت‌ساز منطقه برود. این تناقض فاصله هنرمند از واقعیت را آشکار می‌سازد. این مسئله به‌وضوح نشان می‌دهد که هم در سطح جامعه و هم در میان هنرمندان یک شکاف عمیق و نگران‌کننده میان واقعیت‌های عینی و جهان ذهنی به‌تدریج شکل گرفته است. تا وقتی این شکاف پر نشود و مطالبه‌ای جدی از سوی مردم و رسانه‌ها صورت نگیرد، سینمای جنگ و مقاومت در حاشیه امن باقی خواهد ماند و جای خود را به آثار سطحی و بی‌ارزش و تجاری خواهد داد.



تهران این روزها شاهد رونمایی از دیوارنگاره‌های تازه‌ای است که به پویش «جان‌فدا» مربوط است. این آثار محصول هنر دقیق و گرافیک مدرن هنرمندان تراز انقلاب است و دیوارهای پایتخت را به کلاسی برای آمادگی همگانی تبدیل کرده است.

رنگ جان‌فدا بر چهره شهر

این آثار که با زبانی مستقیم و بی‌پیرایه طراحی شده‌اند، برخلاف تبلیغات کلیشه‌ای، بر دو محور حیاتی امداد و کسب مهارت‌های نظامی متمرکز شده‌اند. جمله انقلابی «بلدی با دوش پرتاب شلیک کنی؟» در طراحی‌ها، مخاطب را به چالشی عمیق می‌کشد. چالشی که مرز میان تماشاگر بودن و مدافع بودن را در ذهن شهروند در هم می‌شکند.

هنرمندان این مجموعه، با ترکیب هوشمندانه زیبایی‌شناسی بصری و ضرورت‌های استراتژیک، موفق شده‌اند پیام «دفاع همه‌جانبه» را به کف خیابان بیاورند. هنر انقلابی ابزاری است برای ارتقای هوشیاری ملی. این آثار بازتابی از یک گفتمان زنده و پویا هستند که می‌گویند امنیت این مرزوبوم، تنها محدود به یگان‌های نظامی نیست و مهارت هر شهروند، سدی مستحکم و نفوذناپذیر در برابر هرگونه تهدید احتمالی است.